

حکایت‌های اوست. «زن بدخشانی» هم رمان اوست که بامرگش ناتمام باقی ماند.

زیر پوست افغانستان

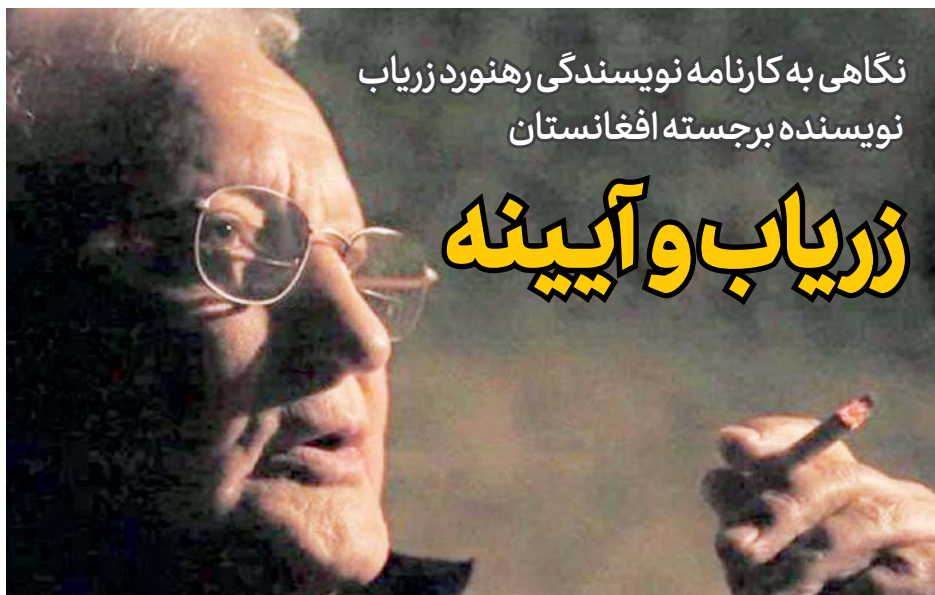
اگر گشتی در فضای مجازی بزنید و نظرات کاربران افغانستانی را درباره این نویسنده بخوانید، کمی متحیر خواهید شد، مثل همه مردان بزرگ، اظهار نظرهای متناقضی درباره اش خواهید خواند و تا خودتان نروید سراغ او و آثارش نمی‌توانید قضاوت کنید که بالاخره نویسنده‌ای بزرگ است یا میان‌مایه‌ای که با تبلیغ بزرگ شده و دشمن زبان فارسی است یا حافظ آن. دعوها از زمانی که زریاب در قید حیات بود، شروع شد و در روزهای پس از مرگش به اوج رسید. اما آنچه تقریباً همه نویسندگان و منتقدان ادبی بر آن اتفاق نظر دارند، اصرار و تعصب رهنورد زریاب بر «فارسی نوشتن» است. این تأکید و پافشاری بر زبان فارسی او را به مقام «پاسداری از زبان فارسی» در کشوری رسانده بود که علاوه بر وجود زبان‌های محلی دیگر، در معرض هجوم زبان‌های خارجی قرار داشته است. از نظر او فارسی، «یک زبان» بود و تعلق به ملت خاصی نداشت. فقط فارسی نوشتن برای این نویسنده اهمیت نداشت، بلکه «درست‌نویسی» هم مهم بود. به همین دلیل، علاوه بر تلاش برای پاکیزه‌نویسی در آثار خود، در زمینه ویراستاری و واژه‌گزینی و نشر قواعد درست‌نویسی برای دیگران نیز فعال بود. فعالیت‌های او در رسانه‌های افغانستان و تأثیرگذاری او بر دولت این کشور برای درست‌نویسی و واژه‌گزینی شاهد این مدعا است.

شیوه داستان‌نویسی او هر چند در شرایط افغانستان پس از شکست طالبان اتفاق مهمی است اما باید گفت در عمل در میان نویسندگان نسل‌های بعدتر چهره‌های توانمندتر از زریاب بسیارند و «گلنار و آیین» که ذکرش هم رفت، درخشان‌ترین اثر اوست. در نوشته‌های زریاب با همه خصایص خوبی که ذکرش رفت رگه‌هایی از کهنگی و به‌روزشدن هم هست که نسل‌های بعدتر تصحیحش کرده‌اند، اما او را نویسنده بدی دانستن هم منصفانه نیست. او در هر صورت حافظ بخش مهمی از فرهنگ افغانستان است و در داستان‌هایش تلاش می‌کند برای حفظ روایت‌ها و داستان‌های زادگاه و کشورش. نکته مهم دیگر را در این دعوها باید در سخنان گروهی دانست که می‌گفتند مهم نیست زریاب نویسنده خوبی بوده یا نه، مهم این است که اهل فرهنگ در کابل تکیه‌گاه بزرگی را از دست داده‌اند. مردی دیگر نیست که همیشه در خانه‌اش به روی اهالی فرهنگ و هنر باز بوده و در خوشی و ناخوشی لیخنش بر لب.

فارسی برای رهنورد زریاب مرز جغرافیایی نداشت، بلکه خود یک سرزمین فراگیر بود بایک روح بزرگ: «در دهه ۳۰ خورشیدی، شماری از پژوهشگران افغانستان که به گونه‌ای از آرکاییک علاقه‌مند بودند، دریافتند که این زبان را در گذشته «دری» گفته‌اند و بهتر است این واژه را جانشین لفظ «پارسی» کنند، همچنان که فردوسی نیز از لفظ دری درباره این زبان بهره گرفته است. آنچه مهم است، روح زبان فارسی است. ما باید این روح را تجلیل کنیم و از این روح بزرگ الهام بگیریم. بدون شک فرقه‌هایی بین زبان ما در ایران، افغانستان و تاجیکستان وجود دارد که همه اینها تفاوت در لهجه‌هاست و تفاوت در زبان محسوب نمی‌گردد.»



رهنورد زریاب متولد کابل است، در انگلیس درس خوانده و در فرانسه زندگی می‌کرد که طالبان سقوط کرد. به وطن برگشت و تا آخر عمرش برای افغانستان تلاش کرد، بهبود فرهنگ آن و حفظ رویاها و اسطوره‌های مردمانش در داستان‌هایش



نگاهی به کارنامه نویسنده رهنورد زریاب نویسنده برجسته افغانستان

زریاب و آیین



زینب مرتضایی‌فرد
نویسنده

توی شهر کتاب کابل که بنشینم و به کافه‌ای خانوم، چای سفارش دهی، می‌توانی راحت با لاقفل بخشی از کتابخوان‌های این شهر حرف بزنی. با اهل ادبیات هرات و مزار و ... هم که در فضای مجازی گپ بزنی، می‌بینی شاعران و نویسندگان افغانستانی را می‌شناسند. از اغلب‌شان کتابی خوانده‌اند و با شوق درباره‌شان حرف می‌زنند. با کتابخوان‌های ایران اما اگر حرف بزنی اغلب‌شان از نویسندگان کشور همسایه چیزی نخوانده‌اند و شناخت‌شان - اگر شناختی در کار باشد - محدود می‌شود به شاعران و نویسندگان افغانستانی‌ای که در ایران زندگی و کتاب منتشر کرده‌اند. به همین دلیل هم عادی است که نام محمد اعظم رهنورد زریاب، نویسنده پیشکسوت و برجسته افغانستان پس از ابتلا به کرونا و مرگش به گوش بخش عمده‌ای از کتابخوانان ایران برسد. او خودش را متأثر از نویسندگان ایرانی چون صادق هدایت، صادق چوبک، جلال آل احمد، سیمین دانشور، احمد محمود و حتی محمد حجازی می‌داند و بر این نکته هم بارها تأکید می‌کند. جالب‌تر این که زنده‌یاد زریاب در ایران برنده جایزه جلال آل احمد هم شده و از سوی نشریه بخارا نیز برای او بزرگداشتی برگزار شده بود اما با این همه، مخاطب ایرانی، غول ادبیات داستانی کشور همسایه را چندان نمی‌شناسد.

روزنامه‌نگار داستان‌نویس فرهنگ‌دان

رهنورد زریاب متولد کابل است، در انگلیس درس خوانده و در فرانسه زندگی می‌کرد که طالبان سقوط کرد. به وطن برگشت و تا آخر عمرش برای افغانستان تلاش کرد، بهبود فرهنگ آن و حفظ رویاها و اسطوره‌های مردمانش در داستان‌هایش. به دلیل سابقه طولانی و مداوم در نوشتن به زبان فارسی و ایفای نقش در عرصه‌های روزنامه‌نگاری، ادبی و هنری افغانستان، به مرجعی بلامنازع در حوزه فرهنگ کشورش تبدیل شده بود. او همچنین مدتی رئیس انجمن نویسندگان افغانستان و سال‌ها

بعد مشاور وزیر فرهنگ و اطلاعات افغانستان بود. اما آنچه در نوشته‌های زریاب توجه بسیاری را به خود جلب می‌کرد آشنایی کامل او با فرهنگ کشورهای پیرامونش بود؛ نکته‌ای که می‌توان گفت در ایران کمتر درباره نویسندگان صدق می‌کند و ما شناخت چندان از همسایه‌هایمان نداریم.

زریاب، فرهنگ و ادبیات ایران را می‌شناسد، و هند را هم. از این روست که وقتی تصمیم می‌گیرد به تأثیر از «بوف کور» ایرانی داستانی بنویسد، آن را علاوه بر فرهنگ افغانستان به فضای زیستی هند - که در افغانستان میان مردم نفوذ و علاقه‌مندان بسیار دارد - هم گره می‌زند و جادویی از رنگ و صدا را در «گلنار و آیین» می‌آفریند. فضایی که مخاطب خود را سخت مسحور می‌کند و گویی نمونه ایرانی خود را با رنگ و بویی بومی از نو می‌نویسد.

نسل نوی افغانستان که پس از سقوط حاکمیت طالبان با تهاجم آمریکا و روی کار آمدن دولت جدید، ظهور کردند، رهنورد زریاب را از طریق همین «گلنار و آیین» شناختند و شیفته‌اش شدند. این کتاب رمانی است با نثری ساده، شسته و رفته با عنصر تکرار که یک داستان عاشقانه و در جاهایی خیال‌انگیز از کابل قدیم را روایت می‌کند. این رمان در کابل در فاصله چند سال به چاپ چهارم و پنجم رسید. اتفاقی که در فضای ادبی افغانستان جنگ‌زده بسیار نادر بود.

هر چند رهنورد زریاب عرصه‌های مختلف ادبی را تجربه کرد اما یکی از ویژگی‌های اصلی او، نقشی است که در داستان کوتاه‌نویسی کشورش داشت. آدم‌های داستان‌هایش همه از جامعه‌اش هستند. از مدیر روزنامه تا دانشمند و روستایی و طیف‌های مختلف یک جامعه.

داستان‌ها، شهر طلسم‌شده، مردی که سایه‌اش ترکش کرد، دزد اسب، باران می‌بارید، سگ و تفنگ، مارهای زیر درختان سنج، گلنار و آیین، چارگرد قلا گشتم، شورش که آدمی زاده‌گکان و جان‌ورکان برپا کردند، کاکه شش‌پر و دختر شاه پریان، درویش پنجم و سکه‌ای که سلیمان یافت رمان‌ها و داستان‌های منتشرشده این نویسنده‌اند. او آثار پژوهشی و طنز هم دارد. ... و «شیخ گفت» هم دربردارنده داستای‌ها یعنی داستان -

